

طراحی مدل ساختاری برای پیش‌بینی انعطاف‌پذیری خانواده بر اساس ابعاد خودمتمایزسازی در دبیران زن متأهل آموزش و پرورش شهر تهران

دکتر پانته‌آ جهانگیر^۱، دکتر شکوه نوابی‌نژاد^۲، دکتر عبدالله شفیع‌آبادی^۳

دکتر حسن پاشاشریفی^۴

چکیده

پژوهش حاضر چنین فرض نمود که ابعاد خودمتمایزسازی، انسجام خانواده را پیش‌بینی می‌کند. برای آزمون این فرض، پس از ترسیم مسیر بین متغیرها، مدل پژوهش تدوین شد و برای آزمون آن از روش مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شد. داده‌ها از ۳۶۳ نفر دبیر زن متأهل شاغل در مدارس راهنمایی و دبیرستان‌های دولتی و غیرانتفاعی شهر تهران که به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده‌اند و پرسشنامه‌های خودمتمایزسازی و انسجام (کارکرد خانواده) را تکمیل کرده بودند، گردآوری شد.

یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل پژوهش به صورت قابل قبولی با داده‌ها برازش دارد و چهار متغیر مکنون از ابعاد خودمتمایزسازی (آمیختگی با دیگران، موضع من، واکنش‌پذیری هیجانی و گسیختگی عاطفی)، ۲۲ درصد از واریانس بعد انسجام از کارکرد خانواده را پیش‌بینی می‌کند. همچنین، ضریب مسیر بین متغیرهای آمیختگی با دیگران، موضع من و واکنش‌پذیری هیجانی به استثنای متغیر گسیختگی عاطفی با انسجام، مثبت و معنادار است. در نهایت، مدلی ساختاری برای پیش‌بینی انسجام خانواده بر اساس ابعاد خودمتمایزسازی تدوین گردید.

واژه‌های کلیدی: مدل ساختاری، انسجام خانواده، ابعاد خودمتمایزسازی، دبیران زن متأهل.

۱. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه مشاوره، رودهن، ایران

۲. ستاد، گروه مشاوره و راهنمایی دانشکده روان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم

۳. استاد، گروه مشاوره و راهنمایی دانشکده روان‌شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

۴. دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، گروه مشاوره، رودهن، ایران

مقدمه

افراد در خانواده گام به عرصه هستی می‌نهند و جامعه نیز از تشکل افراد، هستی و قوام می‌یابد و از آنجا که نهاد خانواده مولد نیروی انسانی است، از ارکان عمده و نهادهای اصلی هر جامعه به‌شمار می‌رود. بهنجاری یا نابهنجاری جامعه نیز در گرو خانواده‌ها است. جامعه نمی‌تواند ادعای سلامت کند، مگر آن که خانواده‌ها از کارکرد سالم برخوردار باشند (نوابی نژاد، ۱۳۸۰).

در راستای اهمیت کارکرد خانواده، الگوهای مختلفی در حوزه خانواده‌درمانی به بررسی این امر پرداخته‌اند که در این پژوهش «الگوی منحنی^۱ اولسون» مبنای کار قرار گرفته است. اولسون با دیدی سیستمی، خانواده را مورد بررسی قرار داده است و الگویی مرکب از سیستم خانواده و روابط زناشویی ارائه کرده است. خانواده در دیدگاه سیستمی، به‌عنوان مجموعه‌ای از عناصر تلقی می‌شود که هر یک دارای نقش‌های تعریف شده و در عین حال پویا بوده و در راستای دستیابی به اهداف مشخص در کنش و واکنش درون سیستمی و برون سیستمی هستند (اولسون^۲، ۱۹۹۹).

به‌عبارتی، این الگو برای فهم کارکرد خانواده بر مفاهیم انعطاف‌پذیری^۳ و انسجام^۴ در خانواده تاکید می‌کند و در پژوهش حاضر، بعد انسجام مدنظر قرار گرفته است. انسجام، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضاء نسبت به یکدیگر دارند و انعطاف‌پذیری به عنوان میزان تغییرات در رهبری روابط نقش و قوانین روابط تعریف می‌شود (اولسون، ۲۰۱۰). فرضیه اصلی این الگو این است که سطوح متعادل انسجام، به کارکرد سلامت خانواده منجر می‌شود. بر عکس، سطوح نامتعادل انسجام (سطوح خیلی بالا یا خیلی پایین)، نشانگر وجود مشکل در خانواده است (اولسون، ۲۰۱۰). بنابراین، کارکرد خانواده‌های متعادل بهتر از کارکرد خانواده‌های نامتعادل است. تعادل در خانواده در بعد انسجام، به این معناست که اعضاء هم مستقل بودن و هم با هم بودن را تجربه می‌کنند (اولسون و گورال^۵، ۲۰۰۳).

بررسی و شناخت مفاهیمی مانند کارکرد خانواده^۶، کیفیت^۷، پایداری^۸ و رضایتمندی زناشویی^۹، در مقابل مفاهیمی مانند از هم گسیختگی زناشویی بیش از همه مورد علاقه خانواده درمانگران و کسانی است که درحیطه غنی‌سازی ازدواج کار می‌کنند (اولسون، ۱۹۸۷؛ به نقل از ملازاده، ۱۳۸۱). از این رو، شناخت عوامل

1. Circumplex model
2. Olson
3. Flexibility
4. Cohesion
5. Gorall
6. family functioning
7. quality
8. stability
9. family satisfaction

مؤثر در بهبود کارایی مطلوب خانواده، افزایش احتمال بقاء و آرامش زوجها ضروری است. عوامل درونی و بیرونی زیادی در کارکرد مطلوب خانواده، سازگاری و رضایت زناشویی تأثیر گذارند و اهمیت بیشتری برای عوامل درونی مانند ویژگی‌ها و پویایی‌های شخصیت، سبک‌های هیجانی و انگیزشی هر یک از همسران را برای پیش بینی کارایی خانواده مهم‌تر دانسته‌اند (والش^۱، ۲۰۰۳). همچنین خانواده نظام عاطفی و شبکه‌ای از روابط در هم تنیده است که به عنوان نخستین پایگاه شکل‌گیری شخصیت، اساسی‌ترین عامل به وجود آورنده تمایز یافتگی در افراد است (بوئن، ۱۹۷۸؛ نقل از اسکورن، ۲۰۰۴).

تمایز یافتگی در سطح درون‌روانی، به میزان توانایی فرد در تفکیک فرآیندهای عقلی و احساسی (کاراسیک^۲، ۲۰۰۴، اسکورن و اسمیت^۳، ۲۰۰۳) و در سطح بین فردی به توانایی فرد برای حفظ روابط صمیمانه با سایرین، در عین دستیابی و حفظ استقلال و خودمختاری اشاره می‌کند (بوئن، ۱۹۷۸، کاراسیک، ۲۰۰۴؛ به نقل از لیچ و چاپوت، ۲۰۰۶).

بوئن (۱۹۷۸) در نظریه‌اش راجع به کارکرد خانواده توصیف کرد که تمایز یافتگی در خانواده از طریق تعارض زناشویی، عدم کارکرد صحیح همسران و یا ایجاد مشکل در فرزندان نشان داده می‌شود (اسکورن، ۲۰۰۰). مطابق تحقیقات و ادعای بوئن، افرادی که تمایز یافته‌اند، قادرند انگیزش هیجانی‌شان را تعدیل و کنترل نمایند و تحت فشار روانی، به طرز روشن‌فکرانه‌تری عمل کنند. ضمن آن که، قادرند در عین حفظ روابط عاطفی، به رشد خود مستقل نیز بپردازند (کر، ۱۹۹۲؛ به نقل از اسکورن، ۲۰۰۳). برعکس، افراد نامتمایز کمتر قادرند پاسخ‌های هیجانی‌شان را تعدیل کنند، احساس خشک و نامنعطفی از خود در روابط دارند و به لحاظ هیجانی واکنش‌پذیرند و در روابط خانوادگی قادر به ایجاد تعادل بین صمیمیت در عین خودمختاری نیستند (بوئن، ۱۹۷۸؛ کر و بوئن، ۱۹۸۸؛ به نقل از اسکورن، ۲۰۰۵). به این ترتیب، سیستم خانواده تمایز یافته با اتکای متقابل و همبستگی بین اعضا مشخص می‌شود و در این حالت، انسجام و همکاری در امور خانواده ارتقاء می‌یابد (بوئن، ۱۹۷۸؛ به نقل از لیچ و چاپوت، ۲۰۰۶).

تحقیقات بسیاری نیز از رابطه تمایز یافتگی با کارکرد عاطفی خانواده حمایت می‌کنند. تمایز یافتگی پیش‌بینی کننده تعهد و رضایت زناشویی (هارنیک^۴، ۲۰۱۰)، بعد عاطفی عملکرد زندگی (چونگ و گیل^۵، ۲۰۰۹)، رضایت زناشویی (پلگ^۶، ۲۰۰۸؛ کتر و رابرت^۷، ۲۰۰۸) توانمندی در صمیمی شدن در زوجین (شورسن^۸، ۲۰۰۶)، کاهش

1. Walsh
2. Karasick
3. Smith
4. Haring
5. Chung & Gale
6. - Peleg
7. - Knerr & Robert
8. - Shursen

تعارض زناشویی (کیم و سیل، ۲۰۰۵) و کارکرد موثر خانواده (ماشراش، ۲۰۰۸) می‌باشد. بنابراین، می‌توان گفت آنچه در این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد، شناسایی نقش خودمتمایزسازی به‌عنوان فرآیند مهم روان‌شناختی در پیش‌بینی بعد انسجام از کارکرد خانواده در بین زنان متأهل است. لذا، اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر از آنجا آشکار می‌شود که تاکنون هیچ پژوهشی در جهت طراحی یک مدل ساختاری که بر اساس آن بتوان کارکرد عاطفی خانواده را مطابق با الگوی منحنی اولسون پیش‌بینی کند، صورت نگرفته است.

لازم به ذکر است تعریف مفهومی معادلات ساختاری (SEM) شیوه استاندارد علمی دقیق آماری است که برای بررسی مدل‌های نظری و توضیح ارتباط درونی میان مجموعه‌ای از متغیرها به کار می‌رود. تحلیل‌های معادلات ساختاری اغلب در پی جستجوی مواد اصلی در یک مدل هستند و مدل ساختاری مسیر علت‌های متغیرهای درون داد و برون داد و متغیر مکنون را نشان می‌دهند. برنامه مدل ساختاری برای بررسی ارتباط بین ماتریس واقعی متغیرهای مدل هم به کار می‌رود. تعدادی از آزمون‌های آماری و شاخص‌ها برای بررسی مدل معادلات وجود دارد که مناسب بودن مدل را تخمین و تعیین می‌کنند، که تعداد این شاخص‌ها زیاد هستند، ولی چند تا از این شاخص‌ها مهم‌ترند و بهتر مدل را برازش می‌کنند و اغلب توسط محققان در بررسی مدل توصیه شده و به کار رفته است (برین، ۱۹۹۸، هو و بنتلیرس، ۱۹۹۹، تویت و استفین، ۲۰۰۱؛ به نقل از یوسفی، ۲۰۰۹).

بنابراین، به‌نظر می‌رسد جنبه نوآوری و ابداع پژوهش حاضر و هدف اصلی آن در جهت طراحی مدل ساختاری، بتواند راه‌گشای مشاوران خانواده در پیش‌بینی انسجام خانواده با توجه به ویژگی‌های خودمتمایزسازی افراد، در پیش از ازدواج و همچنین افزایش کارکرد خانواده پس از ازدواج و در مراحل مختلف چرخه زندگی باشد.

هدف کلی پژوهش

هدف کلی پژوهش حاضر عبارت است از آرایه الگویی به‌صورت یک مدل ساختاری برای پیش‌بینی انسجام خانواده بر اساس ابعاد خودمتمایزسازی در دبیران زن متأهل.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- موضع من درصد معنی داری از واریانس انسجام خانواده را پیش‌بینی می‌کند.
- ۲- آمیختگی با دیگران درصد معنی داری از واریانس انسجام خانواده را پیش‌بینی می‌کند.

1. - Mushrush
2. - structural equation modeling
3. - Byrne
4. - Hu & Bentler
5. - Toit & Stephen

- ۳- واکنش پذیری هیجانی درصد معنی داری از واریانس انسجام خانواده را پیش بینی می کند.
- ۴- گسیختگی عاطفی درصد معنی داری از واریانس انسجام خانواده را پیش بینی می کند.
- ۵- خود متمایز سازی درصد معنی داری از واریانس انسجام خانواده را پیش بینی می کند.

روش تحقیق

جامعه آماری، گروه نمونه مورد مطالعه و شیوه نمونه گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر، دبیران زن متأهل شهر تهران بود. برای انتخاب نمونه پژوهشی، از روش نمونه برداری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده شده است. به همین دلیل از بین مناطق ۲۰ گانه شهر تهران، لیستی تهیه شد و مناطق به ۵ بخش شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد. سپس از هر بخش ۲ منطقه به صورت تصادفی انتخاب شد که شامل مناطق ۱ و ۳ در شمال، ۱۶ و ۱۷ در جنوب، ۶ و ۱۱ در مرکز، ۴ و ۸ در شرق، ۵ و ۱۰ در غرب تهران می‌باشد. پس از انتخاب مناطق و مدارس به صورت تصادفی، با مراجعه به دبیران مدارس، در مجموع ۳۶۳ نفر از آن‌ها پرسش‌نامه‌های مرتبط را تکمیل کردند. پژوهش حاضر حجم نمونه خود را با توجه به ملاک نسبت آزمودنی به متغیرهای مشاهده انتخاب کرده است. مایر، گامست و گوارینو (۲۰۰۶)، نسبت ۱۰ تا ۲۰ آزمودنی به ازای هر متغیر مشاهده شده را توصیه می‌کنند. با توجه به این که تعداد متغیر مشاهده شده مطالعه حاضر (در حوزه مدل‌یابی معادلات ساختاری) ۱۷ است. بنابراین، حجم نمونه ۳۴۰، نمونه مناسبی خواهد بود. با وجود این پژوهشگر برای اطمینان بیشتر، حجم را ۳۷۰ انتخاب کرد. بررسی اولیه پرسشنامه‌ها نشان داد که ۷ شرکت کننده بیش از ۲۰ درصد سوالات را بی پاسخ رها کرده اند، به همین جهت ۷ پرسشنامه از کل ۳۷۰ پرسشنامه کنار گذاشته شدند و در تحلیل داده‌ها از آن‌ها استفاده نشد.

شیوه اجرای پژوهش

پس از آماده سازی پرسشنامه‌های پژوهش و مشخص شدن گروه نمونه (با توجه به بخش حجم نمونه و روش نمونه گیری)، با مراجعه به اداره کل آموزش و پرورش و سپس ارجاع به مناطق مشخص و با هماهنگی انجام شده با حراست هر منطقه و با حضور در هر یک از مدارس انتخاب شده، در جلسه‌ای که با افراد گروه نمونه در هر مدرسه برگزار شد، هدف و روش پاسخ دادن به پرسش‌ها توضیح داده شد و پرسش‌نامه‌ها در اختیار آن‌ها قرار گرفت و پس از تکمیل به وسیله شرکت کنندگان، از آنان بازستانده شد. انجام این کار، با توجه به تعدد مدارس در مناطق مختلف شهر تهران و افراد گروه نمونه، بیش از ۳ ماه به طول انجامید. در نهایت، پس از گردآوری داده‌ها و ورود آن‌ها به رایانه، تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزارهای SPSS و AMOS انجام شد.

ابزار مورد استفاده در پژوهش

الف- پرسشنامه محقق ساخته کارکرد خانواده

این پرسشنامه بر پایه بررسی متون موجود در زمینه همبستگی (انسجام) و انطباق پذیری (انعطاف) و با الهام از الگوی مدور اولسون (۱۹۹۹) از کارکرد خانواده، به منظور بررسی متغیرهای نامبرده در این حوزه و با احساس نیاز به وجود مقیاسی که با فرهنگ و شرایط ملی و مذهبی کشورمان متجانس باشد، با ۲ عامل مذکور، توسط سازندگان (جهانگیر، نوایی نژاد و پاشاشریفی) برای اجرای پایان نامه دکتری تدوین شده است. انعطاف پذیری و انسجام، دو بعد از الگوی مدور اولسون است. منظور از انسجام، احساس همبستگی، پیوند و تعهد عاطفی است که اعضای یک خانواده نسبت به یکدیگر دارند. همچنین، انعطاف پذیری به توانایی در تغییر ساختار قدرت (کنترل، انضباط و رهبری در خانواده)، روابط نقش‌ها و قواعد روابط در پاسخ به فشارهای روانی رشدی و یا بحران‌های موقعیتی اطلاق می‌شود (اولسون، ۱۹۹۹؛ نقل از نوایی نژاد، ۱۳۸۰).

بدین ترتیب ۳۲ سوال برای سنجش انسجام و انعطاف پذیری طراحی شد که سوال ۱ تا ۱۴ آن مربوط به عامل انسجام و سوال ۱۵ تا ۳۲ مربوط به عامل انعطاف پذیری بود.

بعد از تایید پرسشنامه به وسیله چند متخصص حوزه خانواده بر روی یک گروه ۱۰۰ نفری از دبیران زن متأهل اجرا شد. اجرای پرسش نامه نشان داد که سوالات از ابهامات خاصی برخوردار نبوده و در ضمن ضریب پایایی مقیاس، به کمک روش آلفای کرونباخ برای عامل انعطاف پذیری ۰/۷۸ و عامل انسجام ۰/۸۱ به دست آمد. بعد از حصول اطمینان از اعتبار و روایی محتوای پرسشنامه انسجام و انعطاف پذیری خانواده، همراه با پرسش نامه خودمتمایزسازی بر روی نمونه اصلی اجرا شد و ضریب پایایی در این پژوهش برای عامل انعطاف پذیری و انسجام به ترتیب ۰/۸۳ و ۰/۷۵ به دست آمد. همچنین، در پژوهش حاضر برای اطمینان از ویژگی‌های روان سنجی عامل‌های انعطاف پذیری و انسجام خانواده، اقدام به بررسی روایی سازه عامل‌های مذکور شد که یافته‌ها حاکی از روایی سازه مطلوب است. لازم به ذکر است که در این مقاله، عامل انسجام مورد بررسی قرار گرفته است.

ب) پرسشنامه خودمتمایزسازی: این پرسشنامه در سال ۱۹۹۸ توسط اسکورن و فریدلندر ساخته شد و در سال ۲۰۰۳ توسط اسکورن و اسمیت مورد تجدیدنظر قرار گرفت. در این پژوهش، از نسخه تجدیدنظر شده این پرسش نامه که یک ابزار خود سنجی شامل ۴۶ آیتم است و به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود، استفاده شد. آیتم‌های این پرسش نامه در یک طیف لیکرتی از ۱ تا ۶ (اصلا در مورد من صحیح نیست) تا ۶ (کاملا در مورد من صحیح است)، نمره‌گذاری شده است. مقیاس خودمتمایز سازی شامل ۴ خرده مقیاس واکنش هیجانی، موقعیت موضع من، گسیختگی عاطفی و آمیختگی با دیگران می‌باشد.

خرده مقیاس واکنش هیجانی، بیان کننده تمایل فرد برای پاسخ گویی به محرک‌های محیطی بر اساس

پاسخ‌های هیجانی خودکار و طغیان‌های هیجانی است. خرده‌مقیاس موقعیت من، بیانگر احساس یک پارچه خود و توانایی پیروی اندیشمندانه با وجود اعمال فشار از سوی دیگران می‌باشد. خرده‌مقیاس گسیختگی عاطفی، منعکس‌کننده نگرانی‌هایی راجع به درگیری عاطفی حل نشده با والدین و افراد مهم و به کارگیری دفاع‌های رفتاری بر ضد این نگرانی‌ها است. خرده‌مقیاس آمیختگی با دیگران، بیان‌کننده درگیری عاطفی زیاد با افراد مهم و وابستگی زیاد به والدین، گرفتن ارزش‌ها، باورها و انتظارات آن‌ها، بدون سوال در مورد درستی و یا نادرستی این اعتقادات و باورها می‌باشد.

از نظر پایایی، ضریب آلفای کرونباخ در تحقیقات اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸)، $0/88$ و ضریب آلفای کرونباخ توسط پلگ و پاپکو (۲۰۰۴)، $0/84$ گزارش شده است. همچنین، پایایی خرده‌آزمون‌ها که با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است، به ترتیب عبارتند از $0/80$ ، $0/80$ ، $0/80$ و $0/74$ گزارش شده‌اند. در تحقیقات اسکورون و فریدلندر (۱۹۹۸)، پایایی همسانی درونی از $0/84$ تا $0/87$ و ضریب پایایی بازآزمایی از $0/75$ تا $0/84$ گزارش شده است.

یونسی (۱۳۸۵)، ضرایب پایایی این پرسشنامه را به روش آلفای کرونباخ برای کل مقیاس $0/85$ ، برای خرده‌مقیاس واکنش هیجانی $0/77$ ، برای خرده‌مقیاس موقعیت من $0/60$ ، برای خرده‌مقیاس گسیختگی هیجانی $0/65$ و برای خرده‌مقیاس امتزاج با دیگران را $0/70$ گزارش کرده است. اسکیان (۱۳۸۴) و باقری یزدی (۱۳۷۳)، پایایی را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ به برای کل آزمون به ترتیب $0/81$ و $0/80$ گزارش کرده‌اند.

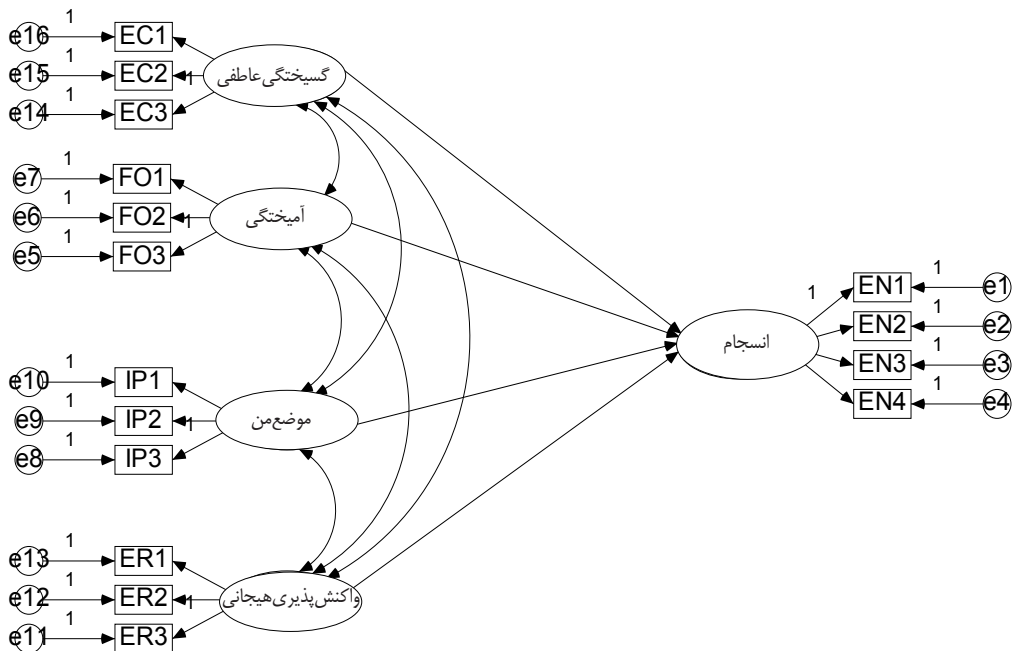
روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در پژوهش حاضر به منظور تحلیل داده‌ها و پاسخ به پرسش‌های پژوهش از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده شده است که بعد از تحلیل عاملی تاییدی - در قسمت مدل اندازه‌گیری - در قسمت مدل معادله ساختاری روابط علی موجود میان متغیرهای مکنون مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش، از روش بیشینه احتمال^۱ برای برآورد مدل و از شاخص مجذور کای (χ^2)، شاخص نرم شده مجذور کای ($df\chi^2$)، شاخص برازندگی تطبیقی، شاخص برازندگی، شاخص تعدیل شده برازندگی و شاخص جذر برآورد واریانس خطای تقریب برای بررسی چگونگی برازش مدل با داده‌ها استفاده شده است. اگر مجذور کای از لحاظ آماری معنادار نباشد، بر برازش مناسب مدل دلالت می‌کند، اما این شاخص در نمونه‌های بزرگ‌تر معمولاً معنادار است و از این رو شاخص مناسبی برای بررسی برازش مدل تلقی نمی‌گردد. همچنین اگر نسبت $df\chi^2$ بزرگ‌تر از ۳ باشد، برازش قابل قبولی را نشان نمی‌دهد. مقدار بزرگ‌تر از $0/90$ برای شاخص‌های برازندگی،

تعدیل شده برزندگی و برزندگی تطبیقی و مقدار کوچک تر از ۰/۰۸ برای شاخص «جنر برآورد واریانس خطای تقریب»، بر برزندگی مناسب و مطلوبی دلالت دارد (مبیز، گامست و گوارینو، ۲۰۰۶).

یافته‌ها

همان طور که اشاره شد، هدف پژوهش حاضر پیش بینی متغیر مکنون انسجام خانواده بر اساس عامل‌های متغیر تفکیک خود است. از این‌رو، پژوهشگر با تکیه بر پیشینه پژوهش، روابط بین عامل‌های انسجام را از یک سو و عامل‌های تفکیک خود را از سوی دیگر در قالب یک مدل (شکل ۱)، ترسیم کرده است.



شکل ۱: مدل پیشنهادی برای ارتباط بین عامل‌های واکنش پذیری هیجانی، گسیختگی عاطفی، آمیختگی، موضع من و عامل انسجام.

بر اساس این مدل EN_۱ تا EN_۴ چهار نشانگرهای (متغیر مشاهده شده) متغیر مکنون انسجام خانواده، EC_۱ تا EC_۳ نشانگرهای متغیر مکنون آمیختگی، FO_۱ تا FO_۳ نشانگرهای متغیر مکنون گسیختگی عاطفی، IP_۱ تا IP_۳ نشانگرهای متغیر مکنون موضع من و ER_۱ تا ER_۳ نشانگرهای متغیر مکنون واکنش هیجانی می‌باشد.

در شکل ۱، مدل‌های پیشنهادی پژوهش، پنج متغیر مکنون (در بیضی) و نشانگرهای آن‌ها (در مستطیل) را ترسیم کرده است. به عنوان مثال این شکل نشان می‌دهد که متغیر مکنون انسجام با نشانگرهای EN_۱ تا EN_۴ سنجیده می‌شود. همچنین اشکال فوق نشان می‌دهد که متغیرهای مکنون آمیختگی به وسیله نشانگرهای EC_۱ تا EC_۳، متغیر مکنون گسیختگی عاطفی با نشانگرهای FO_۱ تا FO_۳، متغیر مکنون موضع من با نشانگرهای IP_۱ تا IP_۳ و متغیر مکنون واکنش هیجانی با نشانگرهای ER_۱ تا ER_۳ سنجیده می‌شود. در این مدل خطاها با علامت e (که در داخل دایره قرار گرفته اند) نشان داده شده است و پیکان‌های یک سویه نشان‌دهنده ضرایب مسیر و پیکان دوسویه نشان دهنده کوواریانس بین عامل‌های تفکیک خود است. پیش از آزمون فرضیه‌های پژوهش، تحلیل توصیفی ابعاد خودمتمایزسازی و کارکرد خانواده (بعد انسجام) ارائه شده است. در جدول ۱، میانگین و انحراف استاندارد عامل‌های خودمتمایزسازی و بعد انسجام کارکرد خانواده ارائه شده است.

جدول ۱: ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش برای کل گروه

متغیرهای تحقیق	۱	۲	۳	۴	۵
IP _۱	۱				
EC _۲	۰/۱۶۹ **	۱			
FO _۳	۰/۱۲۷ *	۰/۴۱۸ **	۱		
ER _۴	۰/۰۲۴	۰/۴۳۴ **	۰/۵۴ **	۱	
۵. انسجام	۰/۲۶۸ **	۰/۲۳۵ **	۰/۲۹۵ **	۰/۲۵۴ **	۱
M (میانگین)	۳/۷۴	۲/۶۰	۳/۹۸	۳/۶۶	۶/۶۹
SD (انحراف استاندارد)	۰/۷۹	۰/۹۴	۰/۸۸	۰/۹۸	۱/۱۱

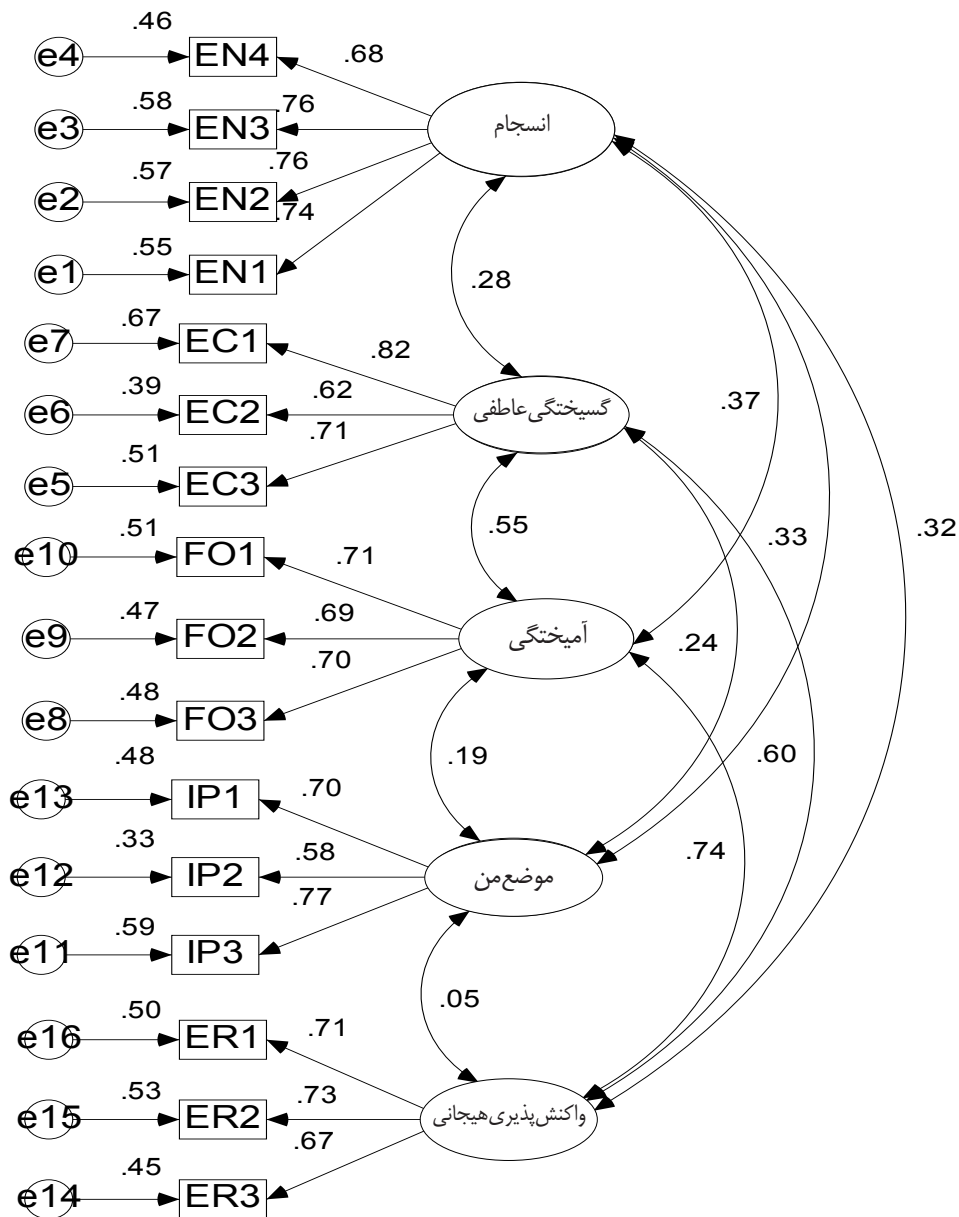
$$N = 357 \quad *P < 0.05 \quad **P < 0.01$$

طبق جدول شماره ۱، در ابتدا تحلیل مقدماتی متغیرهای مورد مطالعه در کارکرد خانواده (بعد انسجام) و خودمتمایزسازی با استفاده از آمارهای توصیفی (میانگین، انحراف استاندارد، همبستگی) انجام شد. سپس آماده‌سازی و سرند کردن داده‌ها^۱ صورت پذیرفت. به‌ویژه در این مرحله مفروضه‌های اصلی مدل‌یابی معادلات ساختاری شامل مقادیر گم شده^۲، نرمال بودن^۳، خطی بودن^۴ و هم‌خطی بودن^۵ مورد بررسی قرار گرفت.

1. data preparation and screening
2. missing data
3. normality
4. linearity
5. multicollinearity

برای پاسخ به این پرسش که "آیا ابعاد متغیر خودمتمایزسازی (آمیختگی با دیگران، گسیختگی عاطفی، موضع من و واکنش هیجانی)، بعد انسجام کارکرد خانواده را پیش بینی می‌کند؟"، از روش مدلیابی معادلات ساختاری استفاده شده است. بنابراین با استفاده از ترسیم روابط بین متغیرهای پژوهش مدلی تدوین شده، سپس شاخص‌های برازندگی مدل اندازه‌گیری و مدل کامل آن مورد محاسبه و مورد ارزیابی قرار گرفت. در مدل اندازه‌گیری (شکل ۲) شانزده نشانگر برای انعکاس ۵ ساختار مکنون در نظر گرفته شده است. با توجه به شکل ۲ چنین فرض شده است که نشانگرهای EN_1 ، EN_2 ، EN_3 و EN_4 متغیر مکنون انسجام، نشانگرهای EC_1 ، EC_2 و EC_3 متغیر مکنون گسیختگی عاطفی، نشانگرهای FO_1 ، FO_2 و FO_3 متغیر مکنون آمیختگی با دیگران، نشانگرهای IP_1 ، IP_2 و IP_3 متغیر مکنون موضع من و نشانگرهای ER_1 ، ER_2 و ER_3 متغیر مکنون واکنش پذیری هیجانی را اندازه‌گیری می‌کند. برازش کلی مدل اندازه‌گیری به وسیله تحلیل عاملی تاییدی انجام شد. برازندگی این مدل بسیار مهم است به این علت که تمام متغیرهای مکنون مدل ساختاری در آن آشیا ن نموده است. به دست آوردن شاخص‌های برازندگی ضعیف در این مرحله باعث می‌شود تا یک بار دیگر مراحل پیشین پژوهش مورد بازبینی قرار گیرد و مانع از ورود به مرحله دوم یعنی تحلیل مدل ساختاری می‌شود.

مدل اندازه‌گیری به وسیله تحلیل عاملی تاییدی مورد ارزیابی قرار گرفت. بررسی مجذور کای نشان داد که مدل با داده‌ها برازش ندارد $p > 0.05$ ، $\chi^2(357N, df = 94) = 134/73$ ، به این دلیل که مجذور کای به شدت تحت تاثیر حجم نمونه قرار دارد، شاخص‌های برازندگی دیگر از قبیل مجذور کای نرم شده ($df\chi^2/c$) مورد استفاده قرار گرفت. اگر چه هیچ قانون روشنی درباره ارزش قابل قبول مجذور کای نرم شده وجود ندارد، این وجود اغلب صاحب نظران مجذور کای نرم شده کوچک تر از ۳ را نشان دهنده برازندگی مناسب مدل تلقی می‌کنند (گیلز، ۲۰۰۲). مجذور کای نرم شده برای مدل اندازه‌گیری در این پژوهش ۱/۴۳ بود که بیان کننده برازندگی قابل قبول مدل با داده است. بررسی دیگر شاخص‌های برازندگی مثل شاخص برازندگی تطبیقی، شاخص برازندگی و شاخص تعدیل شده برازندگی نیز نشان داد که ارزش‌های به دست آمده بالاتر از ۰/۹ هستند و بر اساس مقادیر به دست آمده می‌توان گفت مدل اندازه‌گیری مطالعه حاضر برازش مناسبی با داده‌ها دارد.



شکل ۲: مدل اندازه گیری پژوهش؛ متغیر مکنون انسجام و متغیرهای مکنون موضع من، واکنش پذیری هیجانی، گسیختگی عاطفی و آمیختگی

جدول ۲: شاخص‌های برازندگی اندازه‌گیری					
CFI	AGFI	GFI	RMSEA	dfc/	شاخص‌های برازندگی
۰/۹۷۷	۰/۹۳۳	۰/۹۵۴	۰/۰۳۵	۱/۴۳	مدل اولیه

پارامترهای مدل اندازه‌گیری از قبیل برآورد استاندارد شده و استاندارد نشده، خطای استاندارد و نسبت بحرانی در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳: پارامترهای مدل اندازه‌گیری در تحلیل عاملی تأییدی				
متغیرهای مکنون - نشان‌گر	برآورد پارامتر b	پارامتر استاندارد B	خطای استاندارد	نسبت بحرانی
انسجام - EN _۱	۱/۰۰۰	۰/۷۳۹		
انسجام - EN _۲	۰/۹۷۱	۰/۷۵۶	۰/۰۷۶	۱۲/۸۷۳***
انسجام - EN _۳	۰/۹۱۴	۰/۷۶۱	۰/۰۷۱	۱۲/۰۹۸***
انسجام - EN _۴	۰/۹۰۵	۰/۶۸۰	۰/۰۷۸	۱۱/۶۴۹***
EC - EC _۳	۱/۰۰۰	۰/۷۱۵		
EC - EC _۲	۰/۸۸۸	۰/۶۲۴	۰/۰۸۷	۱۱/۶۵***
EC - EC _۱	۰/۹۷۵	۰/۸۱۶	۰/۰۸۴	۱۰/۱۵***
FO - FO _۳	۱/۰۰۰	۰/۶۹۵		
FO - FO _۲	۱/۰۸۷	۰/۶۸۹	۰/۱۰۳	۱۰/۵۲***
FO - FO _۱	۱/۱۳۳	۰/۷۱۲	۰/۱۰۶	۱۰/۷۴***
IP - IP _۳	۱/۰۰۰	۰/۷۶۸		
IP - IP _۲	۰/۸۱۳	۰/۵۷۸	۰/۰۹۶	۸/۴۶***
IP - IP _۱	۱/۰۱۸	۰/۶۹۵	۰/۱۱۳	۹/۰۲***
ER - ER _۳	۱/۰۰۰	۰/۶۷۳		
ER - ER _۲	۰/۸۳۰	۰/۷۲۸	۰/۰۷۷	۱۰/۷۹***
ER - ER _۱	۰/۸۰۹	۰/۷۰۹	۰/۰۷۶	۱۰/۶۲***

***P < ۰/۰۱

توجه: چون بارهای عاملی EN_۱, EC_۳, FO_۳, IP_۳ و ER_۳ با عدد یک تثبیت شده، خطای استاندارد و نسبت بحرانی برای آزمون معناداری آن محاسبه نشده است.

جدول ۳، برآورد پارامتر b ، پارامتر استاندارد B ، خطای استاندارد و نسبت بحرانی را نشان می‌دهد. روابط بین عامل‌ها و نشانگرهای مربوط به آن‌ها معنادار و در جهت مورد انتظار است. طبق دیدگاه تاباچینک و فیدل (۱۹۹۶)، به نقل از میرز، گامست و گوارینو، (۲۰۰۶)، بارهای عاملی $0/71$ و بالاتر از آن عالی، بارهای بین $0/63$ تا $0/70$ خیلی خوب، بارهای بین $0/55$ تا $0/62$ خوب، بارهای بین $0/45$ تا $0/55$ نسبتاً خوب^۱، بارهای بین $0/32$ تا $0/44$ پایین^۲ و بارهای پایین‌تر از $0/32$ ضعیف محسوب می‌شود.

بارهای عاملی استاندارد شده^۳ از انسجام به ۴ نشانگر ($EN1, EN2, EN3, EN4$) بین $0/68$ تا $0/76$ است که همگی خیلی خوب تا عالی محسوب می‌شوند. بارهای عاملی استاندارد شده از آمیختگی به ۳ نشانگر ($EC1, EC2, EC3$) بین $0/62$ تا $0/82$ است که از نظر تاباچینک و فیدل خیلی خوب تا عالی محسوب می‌شود. همچنین، بارهای عاملی استاندارد شده از گسیختگی عاطفی به نشانگرها ($FO1, FO2$ و $FO3$) بین $0/69$ تا $0/71$ ، بارهای عاملی استاندارد شده از موضع من به نشانگرها ($IP1, IP2, IP3$) بین $0/58$ تا $0/78$ و بارهای عاملی استاندارد شده از واکنش پذیری هیجانی به نشانگرها ($ER1, ER2, ER3$) بین $0/67$ تا $0/73$ است.

مدل کامل

برای پاسخ به پرسش یکم پژوهش، در مرحله دوم شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری برآورد و ارزیابی شد. برآورد استاندارد شده^۴ مدل ساختاری مطالعه حاضر در شکل ۳ ارائه شده است.

جدول ۴: شاخص‌های برازندگی مدل ساختاری					
CFI	AGFI	GFI	RMSEA	df/c/	شاخص‌های برازندگی
0/977	0/933	0/954	0/036	1/73	مدل ساختاری

بر اساس جدول ۴، بررسی مجذور کای نشان داد که مدل با داده‌ها برازش ندارد ($p > 0/05$ ، $134/73 = \chi^2$) اما به این دلیل که مجذور کای به شدت تحت تاثیر حجم نمونه قرار دارد، شاخص‌های برازندگی دیگر مورد بررسی قرار گرفت که نشان داد، مجذور کای نرم شده ($df/c/$) کوچک‌تر از ۳ و شاخص‌های برازندگی، برازندگی تطبیقی و تعدیل‌شده برازندگی، بزرگ‌تر از $0/90$ است. همچنین شاخص "جذر برآورد واریانس خطای تقریب" کوچک‌تر از $0/08$ است که همه نشان از برازش مناسب مدل ساختاری با

1. fair
2. low
3. standardized loading
4. standardized solution

داده‌ها دارد. شاخص‌های برازندگی به دست آمده در مدل کامل بسیار مشابه با شاخص‌های برازندگی به دست آمده در مدل اندازه گیری است. این تشابه از دیدگاه (تاباچینک و فیدل، به نقل از کلین، ۲۰۰۵)، ناشی از تشابه تعداد ضرایب مسیره‌ها، کوواریانس‌ها و به عبارت دیگر پارامترهای برآورد شده است. لازم به توضیح است با توجه به این که پارامترهای مربوط به مدل اندازه گیری در جدول ۴ ارائه شده است، بنابراین در جدول ۵ تنها پارامترهای مربوط به مدل ساختاری گزارش شده است.

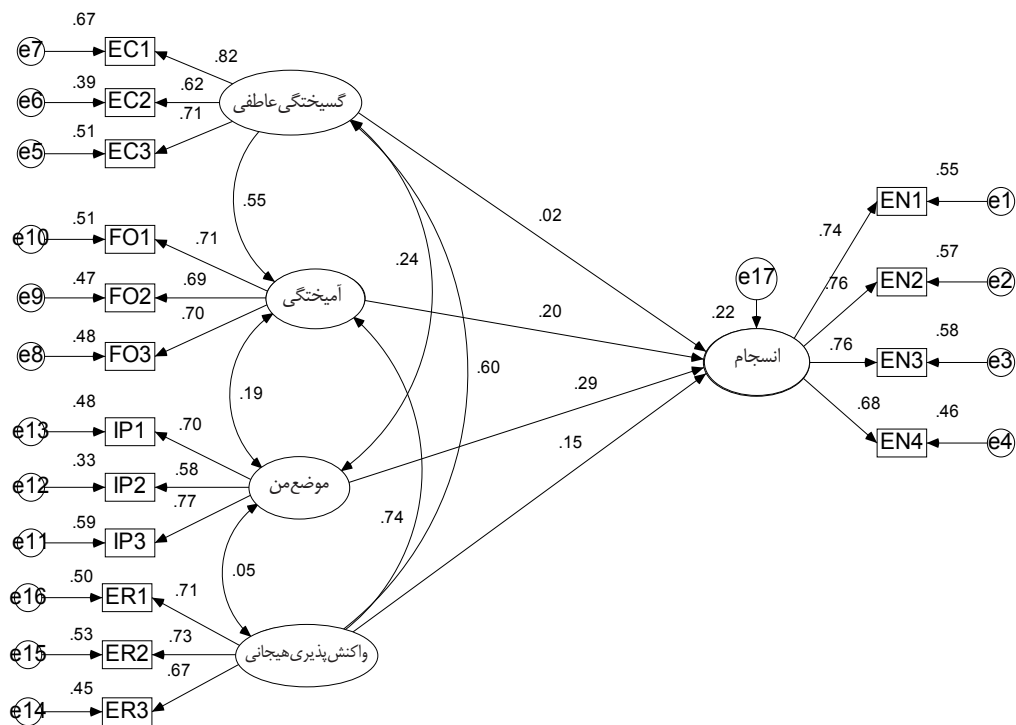
جدول ۵: ضرایب مسیر مدل ساختاری

متغیرهای مکنون - مکنون	برآورد پارامتر b	پارامتر استاندارد B	خطای استاندارد	نسبت بحرانی
انسجام - EC	۰/۰۰۵	۰/۰۱۷	۰/۰۲۸	۰/۸۵۱
انسجام - FO	۰/۰۹۸	۰/۱۹۵	۰/۰۴۷	۲/۰۸۵*
انسجام - IP	۰/۱۰۷	۰/۲۸۵	۰/۰۲۷	۳/۹۲***
انسجام - ER	۰/۰۸۳	۰/۱۴۸	۰/۰۴۲	۱/۹۹*

*P < ۰/۰۵، **P < ۰/۰۱

جدول ۵ ضرایب مسیر، خطای استاندارد و نسبت بحرانی مدل ساختاری را نشان می دهد. ضرایب مسیر ساختاری استاندارد شده (پارامتر استاندارد B) و استاندارد نشده (برآورد پارامتر b) همانند بارهای عاملی مدل تحلیل عاملی تاییدی تفسیر می شوند. به عنوان مثال برآورد استاندارد نشده اثر عامل موضع من بر عامل انسجام ۰/۱۰۷ است. یعنی اگر به عامل موضع من یک نمره اضافه شود (در صورتی که دیگر متغیرها کنترل شود) بر عامل انسجام ۰/۱۰۷ نمره افزوده می شود. به این دلیل که تمام متغیرهای اندازه گیری شده در مدل براساس مقیاس مشابهی قرار نگرفته، بنابراین متغیرهای متفاوت در روش استاندارد نشده به صورت مستقیم قابل مقایسه نیستند. اما ضرایب مسیر ساختاری در روش استاندارد شده می تواند برای مقایسه اهمیت نسبی متغیرها در بین مقیاس‌ها و نمونه‌ها مورد استفاده قرار گیرد. به عنوان مثال برآورد استاندارد شده اثر موضع من بر انسجام ۰/۲۸۵ است. یعنی در صورت کنترل دیگر متغیرها، به ازای هر انحراف استاندارد تغییر در عامل موضع من، متغیر انسجام با انحراف استاندارد ۰/۲۸۵ افزایش خواهد یافت.

شکل ۳ مجذور همبستگی های چندگانه (R²) عامل انسجام را نشان می دهد که برابر با ۰/۲۲ است. این مطلب بدان معناست که چهار متغیر مکنون واکنش پذیری هیجانی، گسیختگی عاطفی، آمیختگی و موضع من در کل ۲۲ درصد از واریانس عامل انسجام را تبیین کرده است.



شکل ۳- مدل کامل پژوهش، برآورد روابط با استفاده از داده‌های استاندارد شده

به طور خلاصه، برای پاسخ به پرسش یکم پژوهش، شاخص‌های برازندگی مدل‌های اندازه‌گیری و کامل محاسبه و مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج ارزیابی شاخص‌ها نشان داد که دو مدل اندازه‌گیری و کامل پژوهش به صورت قابل قبولی با داده‌های جمع‌آوری شده برازش دارد. بنابراین می‌توان گفت که متغیرهای مکنون واکنش‌پذیری هیجانی، گسیختگی عاطفی، آمیختگی و موضع من می‌تواند عامل انسجام را پیش‌بینی کند. در مجموع چهار متغیر مکنون یاد شده ۲۲ درصد از واریانس انسجام را پیش‌بینی می‌کند. همچنین براساس جدول ۵، ضرایب مسیر بین متغیرهای انسجام و گسیختگی عاطفی ($b = 0/195, P < 0/05$)، انسجام و موضع من ($b = 0/285, P < 0/01$) و انسجام و واکنش‌پذیری هیجانی ($b = 0/15, P < 0/05$) رابطه مثبت معنادار وجود دارد و ضریب مسیر بین انسجام و آمیختگی در حدود اطمینان ۹۹ یا ۹۵ درصد معنادار نیست. با توجه به این که در پرسشنامه خودمتمایزسازی، عامل‌های واکنش‌پذیری هیجانی، گسیختگی عاطفی و آمیختگی (براساس دستورالعمل سازنده پرسشنامه) به صورت معکوس نمره گذاری شده است، لذا می‌توان استنباط کرد که با افزایش نمره موضع من و کاهش نمرات واکنش‌پذیری هیجانی و گسیختگی عاطفی، نمرات عامل

انسجام کارکرد خانواده نیز به طور معناداری افزایش می‌یابد.

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه اول نشان می‌دهد که رابطه بین موضع من و بعد انسجام از کارکرد خانواده مثبت و معنی‌دار است و از آنجایی که نمرات بالای موضع من در مقیاس تمایز یافتگی به معنای توانمندی فرد در این بعد است؛ در نتیجه یافته حاصل نشان می‌دهد که با افزایش میزان موضع من، میزان کارکرد خانواده (انسجام) افزایش می‌یابد. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که بین موضع من با رضایت زناشویی (پلگ، ۲۰۰۸) و خرده مقیاس صمیمیت همسران (شورسن، ۲۰۰۶)، رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. همچنین بین ابراز وجود خانوادگی که با موضع من همپوشی معنایی دارد و انسجام خانواده از دیدگاه اولسون (اسکروت، ۲۰۰۵)؛ به نقل از سامانی، (۱۳۸۵) و نیز بین منزلت هویت یافته با رضایت زناشویی (همان منبع) و ایجاد فضای محبت‌آمیز بین همسران و رشد هویت (کیکر و آیدین، ۲۰۰۷)؛ به نقل از ولدخانی، (۱۳۸۷)، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. در نهایت، بررسی‌های انجام شده در این پژوهش نشان دهنده آن است که نتایج با تحقیقات داخلی و خارجی همسو است. به عبارتی، مستقل شدن فرد از افراد مهم و والدین و تعریف و تصریح یک جایگاه مشخص برای خود که لازمه هویت یابی بهینه است، تابع رهاشدن فرد از توده عاطفی خانواده است. این در حالی است که فرد توانمند در موضع من احساس یک پارچه خود را در روابط عاطفی مهم ادامه می‌دهد و در عین حفظ خویشتن، توانایی بالایی در ایجاد صمیمیت با اطرافیان دارد (بوئن، ۱۹۷۸)؛ به نقل از اسکورن، (۲۰۰۴).

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه دوم نشان می‌دهد که رابطه بین آمیختگی با دیگران و بعد انسجام از کارکرد خانواده مثبت و معنی‌دار است و از آنجایی که نمرات بالای آمیختگی با دیگران در مقیاس تمایز یافتگی به معنای آمیختگی پایین است؛ در نتیجه، یافته حاصل نشان می‌دهد هر چه میزان آمیختگی با دیگران کاهش یابد، میزان کارکرد خانواده (انسجام) افزایش می‌یابد. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که بین خرده مقیاس آمیختگی با دیگران و خرده مقیاس صمیمت همسران که دارای همپوشی معنایی با بعد انسجام است (شورسن، ۲۰۰۶) و (برای و همکاران، ۱۹۹۱)؛ به نقل از اسکورن و فریدلندر، (۱۹۹۸). همچنین بعد همبستگی و رضایتمندی زناشویی از کیفیت زندگی (یوسفی، ۲۰۰۹)، رابطه معنی‌دار وجود دارد. سایر تحقیقات نشان می‌دهند که هر قدر یکی از زوجین به دنبال خواهش، درخواست و تقاضای بیشتری (رفتارهایی که نشانگر آمیختگی هستند) از همسرش باشد با گسیختگی عاطفی بیشتری در رفتار وی مواجه خواهد شد که این امر در نهایت به آشفتگی زناشویی بیشتر (گاتمن، ۱۹۸۹) و رضایت زناشویی کمتر (ویرینگ و پاتون، ۱۹۸۴) منجر می‌گردد (نقل از اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳). با استناد به نتایج تحقیقات بالا می‌توان استنباط کرد که عدم آمیختگی با دیگران (دلبستگی ایمن) با روابط صمیمانه، همبستگی و انسجام همراه است که همگی بر نتایج تحقیق حاضر صحه

می‌گذارند و با آن همسو هستند.

یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که رابطه بین واکنش پذیری هیجانی و بعد انسجام از کارکرد خانواده مثبت و معنی‌دار است و از آنجایی که نمرات بالای واکنش پذیری هیجانی در مقیاس تمایز یافتگی به معنای واکنش پذیری هیجانی پایین است؛ در نتیجه، یافته حاصل نشان می‌دهد هرچه میزان واکنش پذیری هیجانی کاهش یابد، میزان کارکرد خانواده (انسجام) افزایش می‌یابد. نتایج تحقیقات حاکی از آن است که افراد با سطوح بالاتری از ابراز واکنشی هیجانی، از انسجام و همبستگی خانوادگی کمتری برخوردارند (سولیوان و میکولیتز، ۲۰۱۰ و یوسفی، ۲۰۰۹). همچنین، چونگ و گیل (۲۰۰۹) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که بین کارکرد خانواده (بعد عاطفی) و بعد واکنش پذیری عاطفی ارتباط معناداری وجود دارد. شورسن (۲۰۰۶)، پلگ (۲۰۰۸) و کتر و رابرت (۲۰۰۸)، نیز به وجود ارتباط معنادار بین خرده مقیاس واکنش پذیری هیجانی و خرده مقیاس صمیمیت همسران و افزایش رضایت زناشویی اشاره کردند. همان گونه که نتایج پژوهش‌های فوق نشان داد، بین عدم وجود واکنش پذیری عاطفی از ابعاد خود متمایز سازی در افراد و رضایت زناشویی، کارکرد خانواده، همبستگی و انسجام خانوادگی و کیفیت زندگی، رابطه معنی‌دار وجود دارد و بر نظریه بوئن مبنی بر تاثیر تمایز یافتگی بر کارکرد خانواده صحه می‌گذارند.

یافته‌های پژوهش حاضر در آزمون فرضیه چهارم در پاسخ به این پرسش نشان می‌دهد که رابطه بین گسیختگی عاطفی و انسجام خانواده معنی‌دار نیست. این یافته از لحاظ نظری تناقض آمیز به نظر می‌رسد، انتظار می‌رفت مطابق نظریه بوئن، میزان پایین گسیختگی عاطفی با انسجام خانوادگی بیشتر همراه باشد. بوئن (۱۹۷۸ و ۱۹۸۵)، عنوان می‌کند افرادی با گسیختگی بالا برای مدیریت اضطراب به تنظیم فاصله بین فردی، کاهش یا قطع تماس عاطفی می‌پردازند، از نظر عاطفی جدا می‌شوند، صمیمیت را تهدید آمیز می‌یابند، به انکار اهمیت خانواده می‌پردازند و از خانواده دوری می‌جویند (نقل از اسکورن و دندی، ۲۰۰۴). اما نتایج برخی پژوهش‌های دیگر یافت شد که با یافته‌های پژوهش حاضر همسو هستند، به‌طور مثال، علیکی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه تمایز یافتگی و رضایت زناشویی دریافت بین گسیختگی عاطفی و رضایت زناشویی رابطه معنی‌داری وجود ندارد. ولدخانی (۱۳۸۷) نیز در پژوهش خود با همین عنوان دریافت ارتباط این دو متغیر در بین زنان معنی‌دار نشد.

یافته‌های مطالعه حاضر در آزمون فرضیه پنجم نشان داد که مدل ساختاری براساس مقادیر به دست آمده و پس از تحلیل شاخص‌های برازندگی با داده‌های حاضر برازش مناسبی دارد. بنابراین می‌توان گفت متغیرهای مکنون (موضع من، گسیختگی عاطفی، آمیختگی بادیگران و واکنش پذیری هیجانی) می‌توانند عامل انسجام را پیش بینی کنند و در مجموع چهار متغیر مکنون یاد شده، ۲۲٪ از واریانس انسجام را پیش بینی می‌کنند. یافته‌های تحقیقات به حمایت عملی از طرح نظری بوئن پرداختند مبنی بر این که یک سیستم

خانواده تمایز یافته با اتکای متقابل یا وابستگی بین اعضا مشخص می‌شود که در این صورت، انسجام، سلامتی و همکاری در امور خانواده، ارتقاء می‌یابد (بوئن، ۱۹۷۸؛ نقل از اسکورن و اسمیت، ۲۰۰۳). نتایج تحقیقات حاکی از آن است ابعاد تمایز یافتگی پیش بینی کننده تعهد و رضایت زناشویی (هارینگ، ۲۰۱۰، پلگ، ۲۰۰۸ و کنر و رابرت، ۲۰۰۸)، بعد عاطفی عملکرد زندگی (چونگ و گیل، ۲۰۰۹) و توانمندی برای صمیمی شدن در زوجین (شورسن، ۲۰۰۶) است. همچنین، بلیر، نلسون و کلمان (۲۰۰۳)، طی بررسی روابط صمیمانه نشان دادند که تمایز یافتگی، مفهوم مفیدی برای پیش بینی پختگی عاطفی در روابط است. چنانچه ملاحظه می‌شود، یافته پژوهش حاضر همسو با یافته‌های مطالعات پیشین نشان داد که مدل ساختاری پژوهش با داده‌های مورد مطالعه برازش دارد و تمایز یافتگی به عنوان سازه اصلی نظریه سیستم‌های خانواده بوئن که از حساس ترین عناصر برای ساختار خانواده محسوب می‌گردد، به پیش‌بینی انسجام خانواده به معنای همبستگی، تعهد عاطفی و رابطه صمیمانه که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر دارند (اولسون، ۲۰۱۰)، منجر شد.

خلاصه

چنانچه ملاحظه شد، یافته‌های پژوهش اخیر نشان داد که در پاسخ به پرسش‌های پژوهشی با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری، چهار متغیر "موضع من، گسیختگی عاطفی، آمیختگی با دیگران و واکنش پذیری هیجانی"، در مجموع بیست و دو درصد از واریانس عامل انسجام را تبیین نموده است و می‌تواند این عامل را پیش‌بینی کند. همچنین به استثنای عامل گسیختگی عاطفی، سایر متغیرها رابطه معنی‌داری با عامل انسجام دارند.

منابع

- اصلانی، خالد. (۱۳۸۸). تأثیر روش روان‌نمایشگری گروهی بر افزایش تمایز یافتگی و تعیین ابعاد این متغیر در بین دانشجویان دانشگاه امیرکبیر، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سامانی، سیامک. (۱۳۸۵). همبستگی خانوادگی و استقلال عاطفی در دختران فراری از خانه. مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران، سال دوازدهم، شماره ۳.
- علیکی، محمود؛ محمد نظری، علی. (۱۳۸۷). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی و رضایت زناشویی، فصل‌نامه علمی پژوهشی انجمن مشاوره ایران. تابستان ۱۳۸۷، جلد ۷، شماره ۲۶.
- ولدخانی، جمیله. (۱۳۸۷). بررسی رابطه منزلت‌های هویتی من و خودتمایز سازی با رضایت زناشویی در مردان و زنان متأهل دانشجوی دانشگاه علامه طباطبایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی.
- مبسّم، سولماز. (۱۳۸۶). بررسی اثربخشی خودتمایز سازی بر کاهش مشکلات تصمیم‌گیری شغلی

دانشجویان دختر دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
 - ملازاده، جواد. (۱۳۸۱). بررسی رابطه بین عوامل شخصیت و سبک‌های مقابله‌ای با سازگاری زناشویی در فرزندان شاهد. پایان نامه دکتری روانشناسی. دانشگاه تربیت مدرس.
 - نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۸۰). مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی. تهران: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

- Blair, Tina. M. & Nelson, Eileen. S. & Coleman, Priscilla. K. (2001). Deception, power and self-differentiation in college student, romantic relationships, Journal of sex & marital therapy, volume 27, Issue 1, Pages 57-71.
- Bowen, G.L. & et.al. (1978). Differentiation in spouses, perception of family adaption. Journal of social behavioral personality, Vol. 12, Issue 17, P. 53-72.
- Chung, H & Gale, j. (2009). Family functioning and self differentiation: A cross cultural examination. Journal of contemporary family therapy. Vol. 31, No. 7, P. 19-33.
- Haring,s (2010). Initial levels of differentiation and Reduction in psychological symptoms for clients in marriage and family-therapy. Journal of marital and family therapy. Vol. 31, . Issue 1, P. 121-132.
- Karasick, s. (2004). Individuation, differentiation, and psychological adjustment in orthodox Jewish college students. unpublished doctoral dissertation ,Ford hand university, New York.
- Kim, K. & Sil. (2005). Self-differentiation, perceived family conflict and cultural values among Asian-American college students. Colombia university.- Knerr,H, Robert. M. (2008). Differentiation and power in couples therapy. The Ohio state university. 88 Pages. Proquest dissertation & theses.
- Meyers,L.S , Gamest.G., & Goarin,A.J. (2006). Applied multivariate research, design and interpretation, Thousand oaks. London. New Deihi, Sage publication.
- Mushrush, L. (2008). A Bowen family system perspective on first-year students, coping styles, adjustment to college and alcohol use. Gannon university. Proquest dissertation & theses.
- Olson, D.H. (1999). Circumplex model of marital & family systems. Journal of family therapy.
- Olson, D.H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. Journal of family therapy. Vol. 22, No. 2, P. 144-167.
- Olson, D.H. (2010). FACES IV & the circumplex model: Validation study. In press, Journal of marital & family therapy.
- Peleg & Popoko, O. (2004). Differentiation and test anxiety in adolescents. Journal of adolescence. Vol. 27. P. 645-662.

- PeLeg , O. (2008). The relation between differentiation of self and marital satisfaction: what can be learned from married people over, The course of life? The American journal of family therapy. Vol. 36, Issue 5, P. 388.model of family functioning. Western journal of communication. Volume 69, Issue 4, P. 359-376.
- Schutte, N.S. (2001). Emotional intelligence and interpersonal relations. The Journal of social and psychology, Vol. 141 (4), P. 523.
- Shursen, A. (2006). An exploration of the levels of differentiation of self and the capacity for intimacy between sex offenders and their partners: A quantitative study. Texas woman's university, P. 124; AAT 3247554.
- Skowron ,E,A & Friedlander, M.L.(1998). The Differentiation of self Inventory :Development and Initial validation. Journal of counseling psychology.1998, Vol .45, No, 3, 235-246
- Skowron, E. (2000). The role of differentiation of self in marital adjustment, Journal of counseling psychology, Vol. 47, P. 229-237.
- Skowron, E.A. (2005). Parent differentiation of self and child competence in low-income urban families. Journal of counseling psychology, Vol. 52, No. 3, P. 337-346.
- Skowron, E.A & Dendy, A.K. (2004). Differentiation of self and attachment in adulthood: Relational correlates of effortful control. Journal of contemporary family therapy. Vol. 26, No. 3, P. 337-357.
- Skowron, E.A. & Schmitt, T.A. (2003). Assessing interpersonal fusion: Reliability and validity of a new DSI fusion with others subscale. Journal of marital and family therapy, Vol. 29, P. 209-222.
- Skowron, Elizabeth. A. (2004). Differentiation of self, personal adjustment, problem-solving and ethnic group be longing among persons of color, Journal of counseling and development, Vol. 82, Issue 40, P. 447.
- Sullivan, A.E. & Mik lowitz. (2010). Family Functioning Among Adolescents with Bipolar disorder, Journal of family Psychology, Vol. 24, NO.1, P. 60-67.
- Walsh, W. (2003). The termination stage in Bowen family systems theory. Clinical social work journal .vol. 31. Issue 40.
- Yoosefi, Naser. (2009). Structural relationships between self-differentiation and subjective well being, mental health and marital adjustments fitting Bowen's theory. SID website.